

وهابیت و جایگزینی بدعتها در عبور از سنتها

وهابیت و جایگزینی بدعتها در عبور از سنتها

یکی از مسائل بحث برانگیزی که وهابیان ادعا نموده و با این ادعا همه فرق و مکاتب اسلامی غیر خود را مشرک دانسته و آنها را از دایره اسلام خارج می کنند مساله بدعت گذاری و بدعت پذیری در دین است. زیرا آنان معتقدند مردم پس از رحلت پیامبر تا ششصد سال سنتهای الهی و نبوی را از یاد برده و بدعتهایی خودساخته را وارد دین نموده و به تدریج از اسلام حقیقی فاصله گرفته اند. این در حالیست که وهابیان تعریف دقیق و کاملی را از بدعت و سنت ارائه ننموده و به همین دلیل در تعیین و تبیین مصادیق بدعت و سنت دچار خطا و اشتباه شده اند. از این رو در این نوشتار برآنیم تا با ارائه تعریف دقیق و روشن از مفهوم بدعت و تبیین مصادیق آن از اشتباه تاریخی و وهابیت در این مورد پرده بر گیریم.

الف: بررسی لغوی و مفهومی بدعت:

«بدعت» در لغت به معنی کار نو و بی سابقه و چیزی است که نمونه پیشین نداشته باشد که بیانگر نوعی حسن و کمال در فاعل می باشد، چنانکه یکی از صفات خداوند «بدیع» است: ¹«بدیع السموات و الارض»؛ (1) که به معنای مُبدِع برای خدا و «یدعاً» (2) درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مناسبت بی سابقه نبودن رسالت آن حضرت، به کار رفته است. همچنین «ابتدعوها» (3) در معنای روشی در امر دین که پیروان دین از پیش خود و بی استناد به شریعت بنیاد نهاده باشند آمده است.

در تعبیرات شرعی، «بدعت» در مقابل «سنت» (4) آمده و در موارد بسیار این هر دو در عبارتی جمع شده اند (5). بنابه روایتی، سنت اموری است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پایه گذاری کرد و بدعت به اموری گفته می شود که بعد از آن حضرت پدید آمد. در جای دیگر، بدعت، نمونه ای از سنت سیئه در برابر سنت حسنه معرفی شده است از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: بدترین چیزها آنهایی است که در دین احداث می شود؛ این گونه امور بدعت است و هر بدعتی گمراهی است (6).

نکته مهم در مسئله بدعت، تنها این است که مفهوم بدعت به صورتی جامع و مانع تعریف و تبیین شود تا بدعت از غیر آن تمیز داده شود در این زمینه، برای درک حقیقت بدعت، بایستی به دو مطلب توجه نمود:

1. بدعت، نوعی تصرف در دین، از طریق افزودن یا کاستن شریعت است. بنابر این، آنجا که نوآوری ربطی به دین و شریعت نداشته، بلکه به عنوان یک مسئله عرفی و عادی انجام گیرد، بدعت نخواهد بود (هرچند مشروع بودن آن مشروط به این است که ابداع و ابتکار مزبور در شرع محرم و ممنوع نباشد). فی المثل، بشر از نظر مسکن و پوشاک و دیگر وسایل زندگی همواره دست به نوآوریهایی می زند و بویژه در عصر ما بسیاری از روشها و ابزارهای معمول زندگی دگرگون شده و برای نمونه انواع ورزشها و تفریحات جدید پدید آمده است. بدیهی است همه اینها یک نوع بدعت (به معنی نوآوری) بوده، ولی ارتباط به بدعت در شرع ندارد. تنها، چنانکه گفتیم، حلال بودن آنها و استفاده از آنها مشروط به این است که مخالف با احکام و موازین شرع

نباشند. مثلاً، اختلاط زن و مرد بدون حجاب در مجالس و محافل، که از ارمغانهای فاسد غرب می باشد، حرام است ولی بدعت نیست، زیرا کسانی که در این محافل شرکت می کنند، این کار را به عنوان یک عمل مشروع که اسلام بر آن صحنه نهاده انجام نمی دهند، بلکه احیاناً با اعتقاد به اینکه امری مخالف شرع است، روی عدم مبالات تن به این کار می دهند. لذا گاه تنبه یافته و تصمیم جدی می گیرند که دیگر در آنها شرکت نورزند.

برای توضیحات فوق، چنانچه ملتی روز یا روزهایی را برای خود موسم شادی و گردهمایی معین کنند، اما نه به این قصد که شرع چنین دستوری داده است، چنین کاری بدعت نیست، هرچند بایستی حلیت و حرمت آن از جهات دیگر مورد بحث و بررسی قرار گیرد. از اینجا روشن می شود که بسیاری از نوآوریهای بشری در زمینه هنر، ورزش، صنعت و غیره از قلمرو بدعت اصطلاحی بیرون بوده، و آنچه درباره آنها مطرح است مسئله حلال و حرام بودن آنها از جهات دیگر است که خود ملاک و مقیاس خاص خویش را دارد.

2. اساس بدعت در شرع به این نکته باز می گردد که چیزی را به عنوان یک امر شرعی که دین به آن فرمان داده به کار برند، در حالیکه برای مشروعیت آن، اصل یا ضابطه ای در شرع وجود نداشته باشد؛ ولی هرگاه کاری را که انسان به عنوان یک عمل دینی انجام می دهد، دلیل شرعی بی(به صورت خاص، یا کلی و عام) بر مشروعیت آن وجود داشته باشد، آن عمل بدعت نخواهد بود. ازینروست که علامه مجلسی، عالم بزرگ شیعی، می گوید: «البدعة فی الشرع ما حدث بعد الرسول [بما انه من الدین] و لم یکن فیه نص علی الخصوص ولا یکون داخلا فی بعض العمومات». (7): بدعت در شرع، چیزی است که پس از رسول گرامی حادث شده و دلیل شرعی خاص یا عامی نیز بر جواز آن در کار نباشد.

بدعت

ابن حجر عسقلانی، دانشمند مشهور اهل سنت، نیز می گوید: «البدعة ما احدث و لیس له اصل فی الشرع، و ما کان له اصل یدل علیه الشرع فلیس ببدعة» (8): بدعت چیزی است که (پس از پیامبر) پدید آمده باشد، دلیلی حاکی از جواز آن در شریعت یافت نشود؛ و آن چیزی که اصل و ریشه ای در دین دارد، بدعت نخواهد بود.

در نتیجه، هرگاه عملی را که به شرع نسبت می دهیم مستند به دلیلی خاص یا ضابطه ای کلی در شرع باشد، مسلماً بدعت نخواهد بود. صورت نخست (وجود دلیل خاص) نیاز به بیان ندارد. مهم توضیح قسمت دوم است، زیرا چه بسا ممکن است یک عمل ظاهراً حالت نوآوری داشته و در تاریخ اسلام بی سابقه باشد ولی معنا تحت ضابطه ای قرار گیرد که شرع اسلام آن را به صورت کلی پذیرفته است. به عنوان نمونه، می توان از سرباز گیری عمومی یاد کرد که امروزه در کشورها اجرا می شود. دعوت جوانان به خدمت زیر پرچم به عنوان وظیفه دینی، هرچند حالت نوآوری دارد، ولی چون یک اصل و قاعده دینی پشتیبان آن است بدعت نخواهد بود. زیرا قرآن می فرماید: "1"1" و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة"؛ (9). بدیهی است بر اثر تحولات جهانی، آموزش عمومی رزمی برای جوانان موجب آمادگی بیشتر در مقابل دشمن مترصد و گوش بزننگ است و عمل به روح آیه شریفه، در عصر ما، مقتضی همین امر است. در پرتو مطالبی که بیان شد، روشن می شود که بدعت به هر گونه از نوآوری صدق نمی کند. و فتاوی نو و جدیدی که فقیهان آگاه به زمان و روابط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ابراز می دارند هرگز مشمول این تعریف از بدعت نمی شوند؛ زیرا با تغییر و تبدل موضوع یا ملاک و هم چنین با عروض عنوان های ثانویه و پدید آمدن موضوع های جدید در بستر زمان و مکان، احکام الهی دستخوش تغییر و تبدل می شوند و فقیهان آگاه به زمان، با تیزبینی این تغییر و تبدل ها را در استنباط احکام

الهی مد نظر قرار داده و براساس آن ها فتوا می دهند. در نتیجه سنت در برابر بدعت، عبارت است از چیزی که قرآن بدان دستور داده و یا پیامبر(صلی الله علیه وآله)مردم را بدان هدایت فرموده باشد و نیز با اصول کلی اسلام ناسازگاری نداشته باشد لذا دایره معنای اصطلاحی سنت در برابر بدعت از گستره معنایی آن در اصطلاح فقه و علم حدیث وسیع تر است.

بنابراین آنچه قرآن، احادیث و قواعد اصول و فقه بر آن دلالت دارد جزو سنت به شمار می آید، یعنی بدعت نیست همچنین تمام اموری که به خودی خود مباح است و هیچ یک از عناوین حرام بر آنها منطبق نمی شود مثل عادات و آدابی که در زندگی بشر از قدیم مرسوم بوده مانند جشن ها و عزاداری ها بدعت به شمار نمی آید البته از سوی دیگر می توان مراسمات را در حوزه دین بر دو قسم دانست:

- 1- گاهی نص و دلیل خاص برای آن وجود دارد، مانند جشن عید فطر، قربان و... ;
- 2- گاهی دلیل خاصی بر آن وجود ندارد بلکه به صورت کلی است که چگونگی انجام آن امور به عرف مردم واگذار شده است مانند تکریم و بزرگداشت پیامبر(صلی الله علیه وآله)، اهل بیت، برپایی شعائر الهی و... که نمی توان آنها را به عنوان مصادیق بدعت برشمرد.

نتیجه..

بدعت به هر گونه از نوآوری صدق نمی کند، و آنچه که قرآن، احادیث و قواعد اصول و فقه بر آن دلالت دارد جزو سنت به شمار می آید، بدعت نیست همچنین تمام اموری که به خودی خود مباح است و هیچ یک از عناوین حرام بر آنها منطبق نمی شود مثل عادات و آدابی که در زندگی بشر از قدیم مرسوم بوده، بدعت به شمار نمی آید.

پی نوشت:

- 1- سوره بقره آیه 177
- 2- سوره احقاف آیه 9
- 3- سوره حدید آیه 27
- 4- فتح الباری، ج 4، ص 204
- 5- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 76
- 6- همان، ج 1، ص 16
- 7- بحار الانوار: ج 74 ص 202.
- 8- فتح الباری ج 5 ص 156
- 9- سوره انفال آیه 60